

بقیه از صفحه اول

ماجراجوییهای اتمی جمهوری اسلامی

طبق این توافقنامه، رژیم ملایان، علاوه بر قول همکاری کامل با آژانس بین‌المللی، اعلام پذیرش «پروتکل الحاقی» (به پیمان منع گسترش سلاحهای اتمی) و امضا و اجرای سریع آن و همچنین توقف همه فعالیتهای غنی‌سازی اورانیوم به صورت داوطلبانه را قبول کرده بود (رجوع شود به «اتحادکار» آبان ۱۳۸۲)، هرچند که جمهوری اسلامی، بعداً، پذیرش پروتکل الحاقی و تعلیق فرآیند غنی‌سازی اورانیوم را، به صورت رسمی، اعلام کرد ولی، از دیدگاه دولتهای اروپائی، نه فقط در جهت تصویب و امضای آن پروتکل اقدام مشخصی انجام نداده بلکه از تعهد خود در مورد توقف همه فعالیتهای غنی‌سازی اورانیوم نیز سر باز زده است. به طور مثال، پس از اعلام رسمی تعلیق فرآیند غنی‌سازی، مونتاژ و ساخت «سانتریفوژها» و یا دستگاههای شتاب دهنده‌ای که مشخصاً برای بهره‌گیری در این فرآیند صورت می‌گیرد، همچنان ادامه یافته است و، هنگامی که این کار مورد اعتراض بازرسان و مراجع بین‌المللی واقع شده، مسئولان ایرانی اعلام داشته‌اند که تولید سانتریفوژها را متوقف کرده‌اند و تنها به تولید قطعات منفصله همان سانتریفوژها ادامه می‌دهند!

رژیم جمهوری اسلامی نیز، متقابلاً، و به طور مکرر اعلام کرده است که دولتهای اروپائی طرف توافقنامه تهران به تعهدات خود عمل نکرده‌اند. در این توافقنامه، دولتهای مذکور ضمن به رسمیت شناختن حق ایران برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای - طبق پیمان منع گسترش - متذکر شده‌اند که «به محض این که نگرانیهای سه کشور کاملاً برطرف شود، ایران می‌تواند انتظار داشته باشد که به طور آسانتری به فن‌آوری مدرن و اقلام دیگری در حوزه‌های مختلف دست یابد». مسئولان حکومتی مدعی‌اند که اروپائیها از انجام این بخش از توافقنامه فیما بین خودداری کرده‌اند. اما روشن است که، جدا از ملاحظات سیاسی و اقتصادی قدرتهای بزرگ در زمینه واگذاری «فن‌آوری مدرن» به کشورهای دیگر، سابق پنهانکاری و ماجراجوییهای جمهوری اسلامی در عرصه اتمی و، نتیجتاً بی‌اعتمادی جامعه جهانی نسبت به مقاصد واقعی آن، چندان زیاد و گسترده است که دولتهای اروپائی در شرایط حاکم حاضر به تحویل تکنولوژی پیشرفته هسته‌ای به آن نخواهد بود. به علاوه، هدف عمده اقدام اروپائیها از امضای توافقنامه در آن مقطع - که به عنوان موفقیتی نیز برای دیپلماسی «اتحادیه اروپا» تلقی شد - تلاش برای «بر سر عقل آوردن» جمهوری اسلامی و

جلوگیری از کشاندن این قضیه به «شورای امنیت» بود که می‌توانست نهایتاً به ضرر آنها و به نفع رقیبشان، آمریکا، تمام بشود.

اما، در هر حال، انتشار آخرین گزارش بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و انتقادات شدید نسبت به فعالیتهای اتمی پنهان و آشکار جمهوری اسلامی، در عمل، گام دیگری در راه محکومیت احتمالی این رژیم و احاله پرونده آن به «شورای امنیت» یعنی همان هدفی که دولت آمریکا از مدتها پیش آن را پیگیری می‌کند، برداشته شد. در این گزارش، علاوه بر این مسئله که پذیرش پروتکل الحاقی هنوز به تصویب مجلس نرسیده است، عدم ارائه اطلاعات کافی و اطمینان بخش راجع به فعالیتهای غنی‌سازی، منشاء آلودگی برخی قطعات و تجهیزات به اورانیوم غنی شده، ساخت مدل‌های جدید سانتریفوژ، موسوم به «پی ۲»،، مورد انتقاد قرار گرفته بود.

در اجلاس شورای حکام آژانس بین‌المللی در ۲۵ خرداد (۱۴ ژوئن) نیز که جهت رسیدگی به این گزارش تشکیل شده بود و، همچنین، در پیش‌نویس بیانیه‌ای که نمایندگان دولتهای فرانسه، آلمان و بریتانیا برای ارائه به این اجلاس تهیه کرده بودند، همان انتقادات مورد بحث و تأکید قرار گرفت. رژیم ملایان تلاشهای بسیاری کرد تا از شدت و دامنه این انتقادات بکاهد. محمد خاتمی، با تأکید بر حق ایران برای استفاده صلح‌آمیز از تکنولوژی هسته‌ای، باری دیگر هشدار داد که اگر فشار بیشتری بر ایران وارد شود این کشور به همکاری خود با آژانس بین‌المللی ادامه نخواهد داد و کمال خرازی، ضمن تکرار این حرفها، ادامه طرح پرونده ایران در این آژانس، به واسطه «دو مسئله جزئی» را ناعادلانه خواند. اما، در نهایت، شورای حکام قطعنامه‌ای را در ۲۹ خرداد از تصویب گذراند که در آن جمهوری اسلامی با لحنی شدید مورد انتقاد واقع شده است. این قطعنامه، ضمن درخواست همکاری همه جانبه از طرف ایران، هشدار می‌دهد که ابهامات باقی مانده در مورد فعالیتهای اتمی ایران نمی‌تواند همچنان تداوم یابد و این مسائل بایستی ظرف چندماه آینده روشن شود. این مصوبه، پنجمین مصوبه آژانس بین‌المللی در مورد جمهوری اسلامی در طول یک سال بوده است. بازرسان این آژانس نیز چندمین دور بازرسیهای خود از تأسیسات و مراکز اتمی ایران را از اوایل تیرماه گذشته آغاز کردند.

اما بعد از صدور این قطعنامه نیز، همان طور که مذاکرات پاریس با طرفهای اروپائی هم گواه آن بوده است، شگردهای رایج گردانندگان حکومتی در این زمینه مبنی بر پنهانکاری و ارائه اطلاعات قطره چکانی، وقت‌گذرانی و اتخاذ روشهای کجدار و

مریز، به همراه موضعگیریهای مبهم و متناقض، کماکان ادامه داشته است. عده‌ای از نمایندگان مجلس رژیم اعلام کردند که خواستار ادامه فعالیتهای غنی‌سازی اورانیوم در ایران هستند و حتی اخیراً گفته‌اند که پس از پایان تعطیلات تابستانی، این مجلس از دولت خاتمی خواهد خواست که فرآیند غنی‌سازی را از سر بگیرد. برخی دیگر از محافل و مطبوعات حکومتی، ضمن تداوم حملات خود علیه آمریکا، از مسئولان دولتی می‌خواهند که در مقابل «زیاده‌طلبیهای اروپائیها» اروپائیها هم کوتاه نیایند. حسن روحانی، نماینده ولی فقیه در «شورای عالی امنیت ملی» و دبیر این شورا، که اداره این پرونده از جانب جمهوری اسلامی را بر عهده دارد و اخیراً هم مورد انتقاد برخی از آن محافل قرار گرفته است. در مجلس رژیم حضور یافته و با اعلام این که ایران از ۹ تیرماه آمادگی از سرگیری مونتاژ قطعات سانتریفوژ را دارد، به نامه ارسالی به سه دولت اروپائی در مورد برنامه‌های اتمی اشاره و اعلام کرد که ایران حاضر به مذاکره با آنها درباره همکاریهای بلند مدت فیما بین است. وزارت خارجه رژیم هم، ضمن تأکید بر همکاری متقابل با اروپا، اعلام داشته است که جمهوری اسلامی هیچ تحمیلی را در هیچ شرایطی نمی‌پذیرد.

با نزدیک شدن موعد بعدی گزارش دهی و طرح مجدد پرونده اتمی رژیم در اجلاس آژانس بین‌المللی - احتمالاً در سپتامبر - تناقضات و کشمکشهای درونی جناحها و محافل حکومتی در این باره نیز شدت می‌گیرد. گروهی از آنها که خواستار مذاکره و نوعی مصالحه با دولتهای اروپائی و تصویب نهائی و امضای پروتکل الحاقی هستند می‌خواهند از این طریق مانع از محکومیت قطعی رژیم و ارجاع پرونده آن به «شورای امنیت» و تبعات آن بشوند. بخشی دیگر که آشکارا الگوی کره شمالی را در این زمینه در مد نظر دارند و خواهان پیشبرد آن حتی به بهای رودرویی با جامعه جهانی‌اند، در صدد تداوم و تعقیب هرچه سریعتر برنامه‌های اتمی خود هستند. از نظر اینان، گرفتار شدن آمریکا در باتلاق عراق و همچنین مسئله انتخابات ریاست جمهوری آن کشور، فرصت مناسبی در این مقطع در اختیار آنها می‌گذارد. مجموعه حاکمیت همچنان به ماجراجوییهای اتمی خود ادامه می‌دهد، فارغ از هرگونه توجه به منافع و مصالح عمومی و سرنوشت آتی این جامعه، و بدون آن که مردم، صاحبان اصلی این سرزمین، کمترین حق اظهار نظر و بیان اراده و خواسته‌های واقعی خود را داشته باشند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران